



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۱۲/۳۰



میر عبدالرحیم عزیز

امپریالیزم و تروریسم در افغانستان و شرق میانه



قسمت چهارم

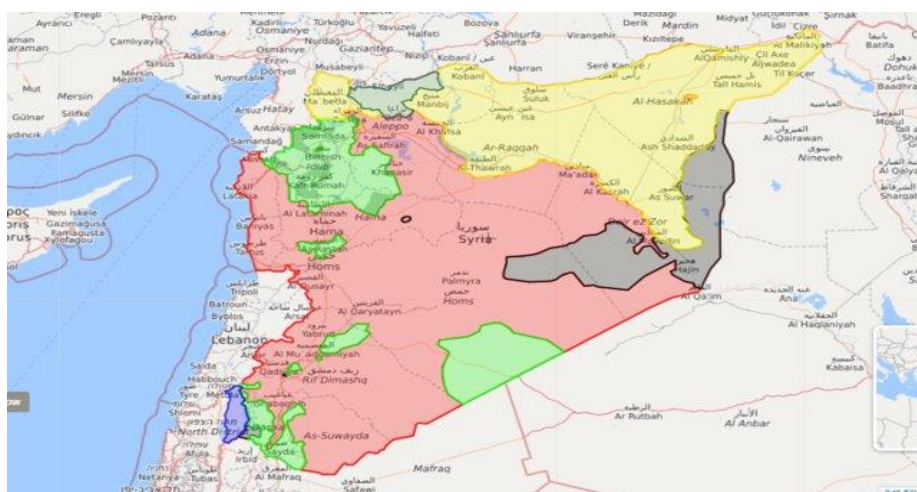
سوریه

بحران سوریه به تعقیب انهدام لیبیا آغاز گردید. سوریه از زمره هفت کشوری است که باید منهدم میشد و به قطعات مختلف تقسیم می گردید. باوجودیکه امپریالیزم عجلتاً در سوریه شکست خورده است، اما طرح نابودی هفت کشور که در بالا از آن ذکر کردم، به حال خودش باقی است. بشر اسد علوی است که یکی از شاخه های مذهب شیعه به شمار می رود، اما با شیعه دوازده امامی و اسماعلیه تفاوت دارد. علویان یک اقلیت اند که قدرت نظامی، سیاسی و استخباراتی را از زمان استعمار فرانسه در دست گرفته اند. سنی های سوریه سخت با علویان در تضاد اند و باوجودیکه تا حال چندین بار کوشیده اند که علویان را از قدرت بیاندازند، هنوز به موفقیت نرسیده اند.

پدر بشر اسد، حافظ اسد یکی از اعضای برجسته حزب بعث به شمار میرفت و به حیث "بسمارک" شرق میانه مسمی شده بود. او مدت ۳۰ سال حکمرانی نمود و با روش ضد دموکراتیکش هر مخالف را با بیرحمی نابود میکرد.

در سیاست خارجی و دفاعی به سوی مسکو میلان داشت که تا حال پایرجاست. اگر حمایت قاطع مسکو از سوریه نمی بود، شاید ما امروز شاهد چند پارچه شدن سوریه می بودیم. روسیه پوتین نه به خاطر دلسوزی از بشر اسد، بلکه به منظور حفظ مراکز نظامی و منافع اش در سوریه، حمایت خود را از این کشور اعلام نمود. اگر سوریه سقوط میکرد، روسیه بعد از ۲۳۰ سال از شرق میانه و مدیترانه اخراج میشد که برگشتش به آسانی کار ساده نخواهد بود.

نقش "سپاه قدس" ایران هم قابل ملاحظه بود. بحران سوریه این امکان را برای نظام فاشیستی ایران داد تا در پشتیبانی از بشر اسد نیروهای خاص "قدس" را به سوریه بفرستد تا علیه نیروهای مخالف اسد بجنگند. نظام ملا ها در ایران درک کرد که اگر سوریه سقوط نماید، بعد نوبت لبنان خواهد بود و سپس ایران از پا خواهد افتاد.



سوریه پس از ۵ سال جنگ میان چهار گروه اصلی تقسیم شده است: دولت سوریه (سرخ)، کردها و همکاران آنها (زرد)، مخالفان سوری (سبز) و گروه های تند رو اسلامی (خاکستری)

جنبش های مردمی ضد نظام بشار اسد آهسته آهسته شکل می گرفت و مردم از هر قوم و دین طایفه به خیابان ها می ریختند و تقاضای اجرای عدالت اجتماعی را می کردند. نظام اسد در زیر فشار روز افزون مردم حاضر به تن دادن شد و وعده داد که اصلاحات جدی سیاسی و اجتماعی را رویدست گیرد. لاکن استعمار جهانی و شرکای آن در شرق میانه مانند ترکیه و امرای عقب گرای عرب (عربستان سعودی، قطر، اردن و امارات عربی) صرف به تغییرات روبنایی سوریه اکتفاء نکردند، بلکه خواستار انهدام کامل نظام اسد و در مجموع کشور سوریه شدند. مرکز عملیات ضد سوریه در اردن بود که از آنجا مخالفان اسد رهنمائی و تقویت می شدند. حالت دلخراش سوریه بهترین گزینش برای اسرائیل بود که یک دشمن قوی اش به سوی نابودی رفته که در نتیجه توازن قوا در منطقه کلاً به نفع اش تغییر کرده و در دوکتورین نظامی اش تغییرات کیفیتی پدید خواهد آمد. در صورت انهدام سوریه، ارتفاعات جولان و قسمتی از خاک سوریه به اسرائیل ضم میشد و آرزوی تشکیل اسرائیل بزرگ آهسته آهسته تحقق می یافت. امپریالیزم غرب و شرکاء می خواستند که سوریه را چند پارچه نمایند و مانند لیبیا شهرهای آن را به ویرانه تبدیل سازند و مواد خام آنرا به یغما ببرند که این قسمت از طرح انهدام سوریه عملی شده است. باوجودیکه سوریه هنوز هم طور کامل آرام نگردیده، مقاومت نظام اسد و حمایت روسیه و ایران از سوریه، طرح های امپریالیستی غرب و ارتجاع عرب را در شکست کامل نظام اسد در حال کنونی عقیم ساخته است. سوریه خسارات جبران ناپذیری در کلیه ساحات متقبل شده است. شهرهای آن به ویرانه تبدیل گردیده و اقتصاد آن به رکود مواجه شده است. به منظره پائین نظر افکنید و مشاهده می نمائید که چه مصیبتی متوجه سوریه و مردم آن شده است. بایست یادآور شد که روسیه و ایران روی احساس انساندوستی به نظام اسد کمک نرسانده اند، بلکه هر یک ازین کشور ها منافع خاص خود را تعقیب میکردند که بعداً بیشتر پیرامون آن صحبت خواهیم کرد.



ویرانی های جنگ در سوریه



تحفه امپریالیزم و تروریسم برای مردم سوریه

در اواسط ۲۰۱۴، سه گروه در سوریه علیه نظام اسد جبهه گیری نمودند:

- اردوی آزاد سوریه که توسط امپریالیزم غرب و اسرائیل حمایت میشود. اعضای این گروه با درک اینکه نظام اسد سرانجام سقوط خواهد کرد، خود را از اردوی دولت اسد جدا ساخته و جبهه مستقلی را به وجود آوردند که هدف آن سهمگیری در تشکیل دولت آینده بود.
- گروه دوم شورسینان اسلامی سوریه بودند که از داخل نشو نما کردند، مانند "جیش الاسلام" و "احرار الشام".
- گروه سوم خطرناک تر از همه بود که شامل تروریست های بین المللی میشود: داعش و جبهه النصره که یکی از وابستگان القاعده به شمار میرود. "النصره" در سال ۲۰۱۳ از داعش برید و داعش خود خلافت اسلامی عراق و سوریه را اعلام کرد.

عربستان سعودی، امارات متحد عربی و ترکیه تروریست متعددی را از لیبیا روانه سوریه ساختند که یک سازمان دیگری را به اسم "اردوی پیروزی" به وجود آوردند. با استفاده از وضع نا هنجار سوریه، گرد های این کشور هم با حمایت غرب خصوصاً آمریکا در تیاتر سوریه داخل شدند و تحت نام "حمایت مردمی گرد" تقاضای سهم خود را در آینده نمودند.

دولت ترکیه مخالف سرسخت هرگونه رستاخیز گرد های سوریه است، زیرا میداند که تشکیل یک دولت مستقل گرد، قسماً به تجزیه ترکیه خواهد انجامید.

دولت بشر اسد به جنگ و مقاومت همه جانبه علیه مخالفان خود و حامیان بین المللی آنها برخاسته است: نبرد دولت سوریه علیه گروه تروریستی داعش و النصره که غیر مستقیم از حمایت امرای عرب برخوردار بوده اند. جنگ دولت اسد علیه تجزیه طلبان گرد که از پشتیبانی آمریکا، برتانیه و فرانسه مستفید شده اند. همچنان رویارویی دولت مرکزی علیه اردوی آزاد سوریه که از جانب امپریالیزم غرب کمک شده اند. مرکز فرماندهی در اردن به هر گروهی که در تضاد با نظام اسد قرار داشت، معاونت میکرد.

پول از عربستان و امارات و قطر، اسلحه از آمریکا و فرانسه و برتانیه. در جریان جنگ های داخلی سوریه مهم نیست که چه نوع کمک به کدام گروه میرسد، صرف هدف این بوده است که نظام بشر اسد سرنگون و سوریه پارچه پارچه شود.

ناگفته نباید گذاشت که تیاتر سوریه صرف محدود به جنگ دولت و مخالفان نبود، بلکه گروه های شورشی برای امتیاز گیری میان خود هم در نبرد تباه کن بودند. داعشیان علیه گرد های سوریه داخل جنگ شدند. داعشیان همچنان به نیرو های اردوی آزاد سوریه حمله بردند و همچنان میان گرد ها و اردوی آزاد سوریه تصادمات جدی اتفاق افتاد. خلاصه اینکه حالت وحشت در سوریه حکمفرما شده و در نتیجه وحشیگری نیروهای داخل در جنگ صد ها هزار تن به هلاکت رسیده و شهر های زیبای سوریه با خاک یکسان شده و بزرگترین و با ارزش ترین آثار تاریخی آن توسط تروریست های مورد حمایت امپریالیزم و امرای عرب برباد رفته است.

لازم است درینجا از یک توطئه دیگر امپریالیزم به منظور یافتن بهانه برای انهدام سوریه ذکر نمایم. امپریالیزم غرب در ماه اپریل ۲۰۱۸ اعلام نمود که قوای هوایی بشر اسد اسلحه کیمیائی در منطقه دوما علیه مخالفان استعمال نموده که به اثر آن چند تن زخمی و کشته شدند. با این بهانه، قوای هوایی سه کشور متجاوز آمریکا، فرانسه و برتانیه مواضع نیرو های دولت سوریه را بمباران کردند تا نظام اسد بیشتر بی ثبات گردد و زوالش سرعت یابد.

به تاریخ ۱۶ ماه دسمبر ۲۰۱۹، دیو دیکمپ (Dave DeCamp) یکی از معاونان سایت ضد جنگ افشاء نمود که این توطئه بزرگ امپریالیزم بود که سازمان منع اسلحه کیمیائی هم با نیرو های امپریالیستی همکاری نمود و واقعیت ها را مخفی نگهداشت. در واقعیت، عمال امپریالیزم عمداً بیرل های مواد کیمیائی را در محلات مخصوص در منطقه

دوماً طوری تعبیه کرده بودند که مردم به این عقیده شوند که این کار نظام بشر اسد بود. طرح این توطئه سرانجام افشاء گردید و امپریالیزم و عمالش ناکام و سرافکنده شدند.

بحران سوریه پای دو کشور دیگر را در حمایت از نظام اسد داخل ساخت:

ایران و روسیه. طوریکه در بالا ذکر نمودم، سوریه از زمره هفت کشوری بود که نظر به طرح امریکا باید ناپود میشد. در آغاز، طرح امریکا این بود بعد از عراق، ایران را ناپود کند و بعد به سراغ سوریه و لبنان و حزب الله برود. اما دستگاه های استخباراتی امریکا زعامت این کشور را آگاه ساختند که اگر امریکا اول ایران را مورد حمله قرار دهد، شاید سوریه، حماس و حزب الله که همه از حمایت مالی ایران مستفید شده اند، دسته جمعی به اسرائیل حمله نموده و این کشور را به آتش بکشند. پس از نظر امریکا بهتر این شد که اول سوریه، دوم حماس و لبنان و حزب الله را از صحنه برداشته و بعداً حساب ایران را برسد. امرای کشور های عرب تابع امریکا هم به این موافقت رسیدند که اول باید گلم بشر اسد و نظامش را جم کرد و از شر دشمن مذهبی و ایده لوژیک سوریه نجات یافت.

نیرو های دولت سوریه برای بقای خود سرسختانه می جنگیدند، لاکن قوای شان در جریان نبرد همه جانبه رو به تقلیل میرفت. علویان دانستند که شکست آنها، پایان حیات شان در سوریه و منطقه خواهد بود. درین وقت، ایران و حزب الله با موافقت اسد وارد میدان نبرد سوریه شدند و تمام قوت خود را برای شکست غرب و شرکاء به کار انداخته و توانستند که نظام اسد را در پایداری علیه نیروهای متخاصم داخلی و خارجی با موفقیت یاری دهند.

در واقعیت این غرب بود که پای ایران را به سوریه کشاند و این جنایت را در عراق هم انجام داد و رایگان این کشور را منحنیث تحفه به نظام فاشیستی ایران تقدیم کرد. ایران در زمان صدام حسین شهادت اینرا نداشت که علیه عراق توطئه کند. محور واشنگتن - تهران در سرنگونی نظام طالبی نیز همکار شدند. از خیرات امریکا، ایران از شر دو دشمن مذهبی در غرب و شرق (صدام حسین و طالبان) این کشور نجات یافت.

کمک نظام فاشیستی ایران به سوریه صرف در ساحة نظامی باقی نماند، بلکه ایران با فرستادن ملا های متعصب شیعه، فعالیت و تبلیغات مذهبی را هم آغاز کرد و کوشید که مردم فرقه علوی را به سوی شیعه دوازده امامی بکشاند و آنها را از مذهب شان دور سازد. شکایت مردم علوی شدت گرفت و از بشر اسد خواستند که جلو تبلیغات ملا های ایران را بگیرد. درین زمان، غرب اجازه پرواز طیارات جنگنده دولت سوریه را در بعضی ساحات این کشور غیر مجاز اعلام کرد و عملاً نظام اسد را از استفاده قوای هوایی اش محروم ساخت. بنابراین، نظام اسد با استفاده ازین حالت، خواست توازن سیاسی و نظامی را به نفع دولت سوریه برقرار ساز و ایران را هم از یکه تازی محروم گرداند. فلهداء از روسیه دعوت کرد که در سوریه مداخله نظامی نماید. ارسال کمک نظامی روسیه به سوریه بود که نظام اسد در نبرد علیه مخالفان مذهبی و غیر مذهبی و تجزیه طلبان دست بالا پیدا کرد و جنگ را به نفع خود به سوی پیروزی سوق داد. طیارات جنگنده روسیه مواضع دشمنان اسد را شب و روز بمباران کردند و نیروهای آنها را خورد و خمیر نمودند. اخطاری که غرب به دولت سوریه در خصوص پرواز طیارات جنگنده اش داده بود، در مورد طیارات روسی غیر قابل تطبیق بود. با دعوت از روسیه، بشر اسد توانست که هم جلو زیاده روی های ایران را

بگیرد و هم توطئه امپریالیزم غرب را تا حدی خنثی سازد. اگر مبالغه نشود، این دومین شکست امریکا در سوریه بعد از ویتنام تلقی میشود. امریکا اکنون صرف به چپاول چاه های تیل سوریه اکتفاء می کند و ازین طریق ۳۰ میلیون دلار در ماه به یغما میبرد. توجیه امریکا اینست که چاه های تیل را به منظور حفاظت از دستبرد ذریعۀ تروریستان حمایت میکند، دلیلی که برای هیچ فرد عاقل قابل پذیرش نیست.

امریکا البغدادی را زمانی از بین برد که نیروهای مخالف اسد، بیش ازین کاری از پیش برده نمی توانند. شاید طور مؤقت، زمان مصرف داعش و سایر نیروهای تروریستی در سوریه برای امپریالیزم به پایان رسیده است. باید منتظر باشیم که کدام کشور دیگر شرق میانه بعداً مورد هدف قرار میگیرد و سناریوی عراق و سوریه و لیبیا بار دیگر تکرار میشود.

درین جا به کارنامه سیاه امپریالیزم صرف در افغانستان و سه کشور شرق میانه و افریقا اکتفا می نمایم و راه تحقیق بیشتر را برای هم میهنان باز می گذارم.

از توضیحات فوق در می یابیم که تجاوزات متداوم امپریالیزم غرب به یک نحوی در خلق و پرورش تروریزم نقش داشته است. امپریالیزم، به این زودی افغانستان و شرق میانه را ترک نمی گوید و جهان اسلام را آرام نمی گذارد. برای امپریالیزم ظهور چند گروه تروریستی اینجا و آنجا مهم نیست، چیزیکه غرب میخواهد حاکمیت دایمی اش در شرق میانه است. درین جا مقولۀ برژینسکی را تکرار میکنم که گفته بود:

"کدام یک برای ما مهم تر است، سقوط شوروی و یا عروج طالبان". برای امپریالیزم کدام یک مهم تر است: "ظهور سازمان های تروریستی و یا حاکمیت غرب بر شرق میانه و چپاول ثروت آن".

غرب معتقد است که توانائی مهار کردن تروریزمی را دارد که به نفعش نباشد، اما اگر از شرق میانه رانده شود، برگشتش در این منطقه بسیار دشوار خواهد بود. بنابراین برای رسیدن به هدف، امپریالیزم طرق ذیل را در پیش گرفته است:

۱. تقویت نظامی اسرائیل که در منطقه بی رقیب باشد. اسرائیل باید مافوق همه کشورهای مسلمان شرق میانه به شمول کشورهای وابسته به امریکا باقی بماند. خلق اسرائیل بزرگ از نیل تا دجله و فرات جزء همین طرح است. درین روز ها در امریکا، زمزمۀ ارسال طیارات بم افگن بی ۵۲ (B-۵۲) به اسرائیل به گوش میرسد. اگر این طرح تحقق یابد، نفوق و توانائی قوای هوائی اسرائیل نسبت به هر کشور شرق میانه تثبیت خواهد شد.
۲. نظام های ارتجاعی عرب باید در تقابل با نظام های غیر وابسته به غرب مانند نظام فاشیستی ایران و سوریه مورد حمایت قرار گیرند تا حاکمیت غرب بیشتر تحکیم شود.
۳. نزاع سنی و شیعه وسعت یابد تا بدینوسیله امپریالیزم بتواند یکی را علیه دیگری استعمال نماید تا جهان اسلام برای مدت مدیدی در آتش نزاع بسوزد.
۴. تیل و گاز شرق میانه باید کلاً در اختیار غرب قرار گیرد و با دلار فروخته شود و در بانک های کشورهای غربی خاصاً امریکا ذخیره گردد.

۵. از صنعتی شدن کشور های مسلمان شرق میانه جلوگیری شود تا این کشور ها برای همیشه محتاج غرب صنعتی باقی بمانند.

۶. نفوذ روسیه و چین در شرق میانه حد اکثر تقلیل یابد و این منطقه در مجموع به حیث ساحه تحت الحمایگی غرب شناخته شود.

چطور کشور ما و شرق میانه میتواند ازین ورطه نجات یابد و از شر امپریالیزم رهایی بجوید؟ قیام های مردمی علیه نظام های ضد ملی، زدودن تعصبات مذهبی و قومی، گسترش دانش و علم فرهنگ، تعمیم عدالت اجتماعی و دموکراسی واقعی، درک درست از نیات قدرت های تجاوزگر و در مجموع سیاست جهان و پیشرفت سالم اقتصادی میتواند افغانستان و شرق میانه را به پای خود استاده کند و توطئه های امپریالیزم را در نطفه خنثی نماید. در غیر آن افغانستان و شرق میانه تا چند دهه دیگر در اشغال استعمار جهانی باقی خواهد ماند.

**** * * * * *

قسمت اول، دوم و سوم این مقاله را می توانید با کلیک بر لینک زیر مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/R_aziz_impervyalisme_wa_terorisme_dar_afghanistan_۱.pdf

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/R_aziz_impervyalisme_wa_terorisme_dar_afghanistan_۲.pdf

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/R_aziz_impervyalisme_wa_terorisme_dar_afghanistan_۳.pdf



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

امپریالیزم و تروریزم در افغانستان و شرق میانه قسمت چهارم

[R_aziz_impervyalisme_wa_terorisme_dar_afghanistan_۴.pdf](#)